

دوشنبه شانزدهم ذی الحجه ۱۲۹۹ هجری
خامین ابن روزنامه در طهران و غیره
از سایر بلاد ایران حق مطالبه
قیمت ندارند

ذائقه

مطابق سی امرا کثیره هافر انستیتوت
اعلان ابن روزنامه قیمت ندارد
دار الطباعه خاصه علیه در ولایت
مبارکه دار الفنون

روزنامه ذائقه را در طبع و مجازات قلم مشی و هرگز انجبا و اطلاعا
که معلوم می شود و بدین منوط بآبادی و در هر روز با سه روز خواهد

انجبا و اطلاع

دکتر ابوی که یکی از معارف طبای برلن
پای تحت مملکت المانی است بر حسب امرجهان مطاع اعلی حضرت
افدس هیون شهرناری و خاندان و انتخاب جناب
جلالتاب مخبرالدوله وزیر علوم و معادن و غیره بر
ندیس مدرسه مبارکه دار الفنون اخذ شده بود
در این روزها وارد دار الخلافه با هم کرده بد کتابچه
فهرست و دستورالعملی (پرگرام) جهت ترتیب تحصیل
علوم متعلقه طبایب فوشنه عاقریب مراتب علوم
طبییه و سایر شعبه متعلقه باین فن شریف و اعمال بد
و کلینیک (درس علی شاگرد در کربلا) در مدرسه
و مرضخانه مبارکه اقدامات لازمه را بعمل خواهد آورد

امید چنانست که این طبقه طلاب طبیه از هر حیثیت
کامیابی کامل و فارغ التحصیل شوند و ازین زمین تربیت کنندگان
اعلی حضرت قوشوکت شاهنشاه اسلام پناه روحنا
فداه اطبا خاذق با علم و عمل از این مدرسه مبارکه
بیرون آیند و عموم رعایا و بزرایا از ایشان مستفید
و مستفیض شوند

بقیه رساله ذوات الانجاب
انزالیفات معتمد السلطان
حاجی نجیر الملک

در خصوص خفتن ذوات الانجاب
ذوات الانجاب بی نهایت لطیف و خفیه اند و بحدی
متخلخل اند که نمیتوان هیچکدام از اجسام و اجزای

رساله کماله العلو

اش صاعقه
(۷۲) کدام یک از دو قسم الکتریسیته در ابرها ظاهر میشود
خلایق شود بسوی زمین ابر الکتریسیته موجب زمین الکتریسیته منفیه دارد
(۷۳) چه الکتریسیته از زمین میجهد
زمین الکتریسیته موجب ابر الکتریسیته منفیه داشته باشد
(۷۴) در کدام فصل تعداد حذوف طوفان بیشتر است
کثر است و در ماه لغریه فرنگستان احتسار کرده اند که اگر صد طوفان واقع شود در تابستان ۳۳ پائیز ۲۲ بهار ۱۷ در زمستان

از حیث لطافت نشان تشبیه نمود چنانچه در خان
 لطیف و مرطوب غلیظ تر و کثیف تر از آنها است زیرا که
 شعاع روشن چون آذر و ن چپن مواد کذر کند
 روشناییش ضعیف میشود و بلکه محو میگردد و
 اگر غلظت دخان بفرار ذرع رسیده باشد حاجب
 ماوراء میشود و حال آنکه هر ذره ذنب که چشم بزرگ
 زمین نباشد تا بزرگی افتاب حاجب ماوراء نمیکرد
 و کواکب سما بنا لا تو همیشه خود از راه آنها میدرخشند
 و از این قرار ستاره دنباله دار را بنا بدچندان غلظت
 باشد و با دید سبک وزن باشد پس اگر ذره ذنب در
 حرکت خود با زمین یا با سیاره ملاقات کند مصداق آنها
 مورث خطر نخواهد شد چنانچه ذره ذنب سال ۱۱۴۱
 هجری از کنار مشرق و از مابین افقار ش گذشت و هیچ
 صدمه در آنها وارد نیامد ولیکن قریب جوار مشرق
 در ذنب خالی از تاثیر شد قوه جاذبه عالم شمس
 آنرا از مدار خود خارج ساخت چنانچه بافتن کائنات
 منتهی به بایست آن ذره ذنب بعد از پنج سال و نیم
 دیگر باز ظاهر شود و حال آنکه دیگر دیده نشد و
 از این قرار معلوم میشود که جرم ذرات الاذنب
 بسیار لطیف است و چون تاکنون احدی از متفکرین
 و مناخرین مملکت غامض ماهیت این نوع سیارات

نکشند و حکایه قدیم آنها را از جمله کائنات جو
 میشمردند تقضیل احوال آنها خالی از فایده
 نیست
 پس گوئیم با وجود آنکه حجم ذرات الاذنب بسیار
 درشت است و بطول چندین کور فرسنگ هر کجا
 در فضاء آسمان جا میگیرند چون اینجا هوای نیست
 و خلا مختص است و اجسام مایعه و سیاله مثل آب و
 هوا که در اینجا واقع شوند بسبب فشردن مانع بندگی
 متخلخل میشوند تا بکمال لطافت رسند قدر ماهیت
 این نوع سیارات بسیار قلیل است چنانچه جمعی از متفکرین
 و طبیعی دانان فرنگستان مثل **هرشل** در این عصر
 ثابت نموده اند که ذره ذنب هر چند درشت باشد
 و زرش با چند عدد فلوس برابر می کند پس چرا از
 ملاقاتش در تنزل با شیم و چون زمین با ناز و زنبه
 ملاقات افند صدمه اش کمتر است از صدمه که در راه
 آهن کالسکه بخار سریع را از ملاقات مکی وارد
 آید
 براهین طبیعی ثابت شده که ماهیت ذرات الاذنب
 بتحد کمال لطیف است و اگر ذره از هوای مجاور زمین را
 که باندازه خمس جو باشد در محل ذره ذنبه نقل کنیم
 و اینجا از افتاب کسب نور کنند بنظر ما از هر حیثیت

نه دفعه خواهد بود در شمال ایتالیا طوفان بسیار واقع میشود و در شمال تمام فرنگستان اندر است
 (۷۵) چرا در تابستان و پاییز طوفان بیشتر از بهار و زمستان واقع میشود **ج** زیرا که مابین تابستان
 و پاییز مبادی الکتریسیته هوا بیش از سایر فصول در کارند و وضع هوای جو همه جمع شدن قوه الکتریسیته مناسب تر است
 مثلاً در اوایل ماه **مه** یا ابتدای ماه **ژوئن** وقتی است که عموماً بناات که مبادی قوت الکتریسیته هوا میباشند
 بشدت عمل دارند همین قدر که تعادل برهم خورد بزودی مجدداً متعین شود و طوفانهای متوالی هشت نفر و بلکه گاهی
 یک ماه ظاهر شوند
 (۷۶) چرا در تمام فصول طوفان بعد از هوا خشک حادث میشود **ج** زیرا که پیوسته هوای یک از شرایط
 اصل اجتماع قوت الکتریسیته است در طبقات برها چون هوای خشک الکتریسیته را که بر و حادث میشود راه نمیدهد
 بلکه آنرا امداد میکند که بواسطه اصطکاک ذرات تجدید حدوث الکتریسیته نماید انوقت قوت برها بقدر کم میماند

شبهه ذوزنبک خواهد بود و ذوزنبی که مدبرش
 کره زمین باشد و زلزله از یکصد جزو ارتجاء و
 نکند
 و با وجود این لطافت قوه جاذبه آفتاب با آنها تعلق
 میکند و تاثیر می کند و هسته ذوزنبک غلیظ تر و
 کیفیت ترا از سایر اجزای او است
در خصوص شکل ابراز و انزال
 سابق ذکر شد که مدار هر کدام از این نوع سیارات
 مشابهت دارد با خط کلوله که پارابولیک و مرکزش
 بر آفتاب باشد و چنین شکل چون از یک طرف دهانه
 باز است و مسدود نیست هر ذوزنب که در محیط
 سیر کند هرگز دوره خود را تمام ننماید پس هر وقت که
 آن کوکب با آفتاب نزدیک شود در مقام قریب زمین
 رسیده ما ساکنان از آبی بلینیم و چون دور شد
 چند آنکه ناپدید گشت دیگر مرکز باز نیاید و همان
 طور که در مدار خود سیر میکند بتدریج از آفتاب
 دور تر میشود و در اعماق آسمان فرو میرود تا باقی
 باشد پس اگر ذوزنبی چند مدت بعد از غیب
 ظهور کند بنا بیدار شد پارابولیک است
 بلکه بیضی شکل باشد
در معرفت اوقات انزال

گفتنا و برینز گوئیم
 عالم شمسه را ذوات الاذنب است که مدتی بعد از
 غیبت ظهور میکنند و بعد از آنکه دور شدند باز
 بیگم با معاودت میکنند و آنها را که تا کون چند
 نوبت دیده اند **گفتنا و برینز گوئیم**
 چونکه مدت خفای آنها ثابت و مشخص است و بعد از
 انقضای آن مدت نمایان شوند و هر وقت که نتیجتاً
 ذوزنبی را از روی حدس **گفتنا و برینز گوئیم**
 دور ما اثر بقوا عد مشخص استخراج کنند و بعد
 از آن با آلات نجومی آن را بدقت رصد کنند پس
 اگر حدس آنها موافق ایدیقین دانند که آن ذوزنب
 متناوب است بقیه در نمره است

علوم طبیعی
بقیه هوا
ستاهل
Stahl که یکی از حکماء دانشمند معروف
 مائ هفدهم منجی است احتراق را عبارتند
 میدانشته است از تفریق و خروج ماده مخصوصه
 از اجسام که آن را **فلوئیدتیک**
Phlogistique نامیده بود
 که آن ماده در چین خروج از جنم مشارکت و

که میتوانند تولید صاعقه نمایند
 (۷۷) چرا بندرت طوفان بعد از باران واقع میشود
 و تولید آن نکند در این صورت قوت الکتریسیته ابرها بر روی صدا خارج میشود و ممکن نیست که قوت باد در ابرها پدید
اثر ظاهری صاعقه
 (۷۸) ایضا صاعقه بر درختی که رسیده نفوذ در آن میکند یا همین در سطح خارجی آن سیر میکند
 کاه صاعقه در آن درون درخت نفوذ نماید و آنرا منلاشه مینماید و غالباً وارد میشود فیما بین پرد های قشری
 درخت و پرد کما خشک است آن که در آن محل خون نباتی که **سوسو** نامند بیشتر موجود است
 (۷۹) چرا صاعقه غالباً فیما بین پوست و چوب رخسیر میکند
 زیرا که همیشه انتخاب مینماید
 بهترین معبر را و در درخت این معبر عبارتست از چوب چیده و چوب پسته که هنوز خوب بسته نشده و آنرا با اصطلاح گیاهشناسان

۳۹

ترکیب یافته داشته بایک از اجزاء اصلی مواد محترقه
 و بنیال این حکیم فلورسینیک عبارت
 بوده از جسم صلبی که اجزاء آن در کمال صغر و خورده
 بوده اند و هیچ وجه قبول مد و بسط و تخلل
 نمیکرده اند و با اتصال ذرات آن نه در حالت سکون
 و از ادی و نه در حالت ترکیب از ای نور و حرارت
 بوده اند و در حالت ترکیب بعضی اینک از هوا منصفا
 میشده اند آن ذرات متفرق و از اد کرده بر
 حسب شدت وضع حرکت مکتسب از هوا آثار
 آتش افروزند یا حرارت غیر منیر از آنها بر وزن میگرد
 و چون بنا بر کماستاهل اجسام با احرار از قبیل
 هیزم و ذغال مرکب اند از مواد مختلفه و فلورسینیک
 عمل احتراق عبارت بوده از تقرب و بقیک آن مواد
 مخصوصه و فلورسینیک لهذا بقول این حکیم احتراق
 نتیجه تجزیه و انفضال اجسام میشود یعنی جزئی از جسم محترق
 خارج میگردد و معتقدین مذهب استاهل از فلورسینیک
 فرضه او ایجاد یک ماده و اهیه کردند که در بسیار از
 اعمال انرا مداخله میدادند و اغلب آثار ناشیه از اجسام
 طبیعه را باین ماده حیا نسبت میدادند و بنا بر مذهب استاهل
 اجسامیه و نانه مختلفه موجود بوده که خاصیت
 مشترکه عمومی تمام آنها لطافت کلیه بوده است

و بقول ایشان این اجسام لطیفه پس ناپذیرند یعنی نمیتوان
 آنها را با دست گرفت و جبر کرد
 با این *Bayen* جوهر قرمز را نظیر نمود و مؤلفند
 که اثر حرارت این ماده را که سناهل عبارت میدانشند
 از ذریق عارض از فلورسینیک تبدیل میکنند بزریق
 فلز و یک بخار مخصوصه و حاصل جمع وزن آن بخار
 و ذریق اجناس شده مساوی است با وزن تمام ماده قرمز
 پس معلوم شد که زریق در حین احرار خذ فلورسینیک
 فرضه کرده و چنین نیست که چیزی از آن کاسته شده باشد
 بلکه بر آن افزوده شده و بعبارت اهل کیمیا زریق رجراج
 و سنا بواسطه حرارت بجای آنکه چیزی از آن خارج شود از
 آن باقی بماند که جوهر قرمز باشد چیزی از خارج جلا
 کرده و حالت ارضیت پیدا نموده

لوازم *Lavoisier* که واضع علم
 شیمی و مقنن قوانین تجزیه و ترکیب اجسام است
 کشف مطالب مجهوله نماید و افکار حل مسئله احرار
 با و تعلق کرد این دانشمند یکانه بواسطه تجزیه های
 دقیق و تجارب عدیده ثابت کرد که فلزات پراز
 تکلیس و احتراق در هوا هیچ وجه چیزی از آنها
 خارج نمیشود
 بقیه در نمره آتیه
 محترک نظیر احد معلم طبیعه

آبیه نامند

- (۱۰) **س** ایضا عقده همین در جلد انسان سیر میکنند یا آنکه نفوذ در بدن نیز مینمایند **صاعقه در تمام بدن نفوذ مینماید**
 - (۱۱) **س** چرا صاعقه در بدن انسان نفوذ مینماید **زیرا که صلاحیت هدایت قوه الکتریسیته بدن بیشتر از جلد است لهذا صاعقه در اندرون بدن نفوذ مینماید و منحصر بسطح جلد انسان نیست (بدن سایر حیوانات هم مانند بدن انسانها دی الکتریسیته هست)**
 - (۱۲) **س** چرا کاه صاعقه درخت را میسوزاند مانند آنکه او را آتش زده باشند **زیرا که درخت غایق بر الکتریسیته و هر وقت که این غایق بزرگ ظاهر شود الکتریسیته تولید حرارت شدیدی مینماید**
- بقیه در نمره آتیه**